

عباس مطیعی در سال ۱۳۴۰ در شهر سمنان به دنیا آمد. پدربزرگوارش مرحوم حاج کریم از مداحان اهل‌لیت و مادرش از خانواده‌ای نجیب و باتقوا بود. از کودکی همراه با پدرش به مسجد و جلسات دعا می‌رفت، در مدرسه به دستور مرحوم قوام، مدیر مدرسه مهران، طبقه وضو گرفتن و نماز خواندن را به دانش‌آموزان دیگر آموزش می‌داد. او که درس‌های قبل از انقلاب با ماهیت رژیم پهلوی آشنا شده بود، درحین انقلاب همراه با امت حزب‌الله درفالیتهای انقلابی فعالانه شرکت می کرد. پس از دریافت دیپلم دررشته ریاضی فیزیک به سازمان عمران ایپوست تا به محرومان کردستان خدمت کند. بعد از مدتی به تشویق فرمانده سپاه بیجار به سبز بوشان انقلاب اسلامی پیوست و درسمت جانشین سپاه بیجار مشغول به خدمت شد. دردرگیری با گروه بیست نفری در گردنه بیجار از ناحیه نخاع جانباز و پس از سه سال تحمل رنج فراوان در هفتم مهر سال ۱۳۶۴ به شهادت رسید. پیکر پاکش در امام زاده یحیی(ع) سمنان آرام گرفت.

خاطرات:

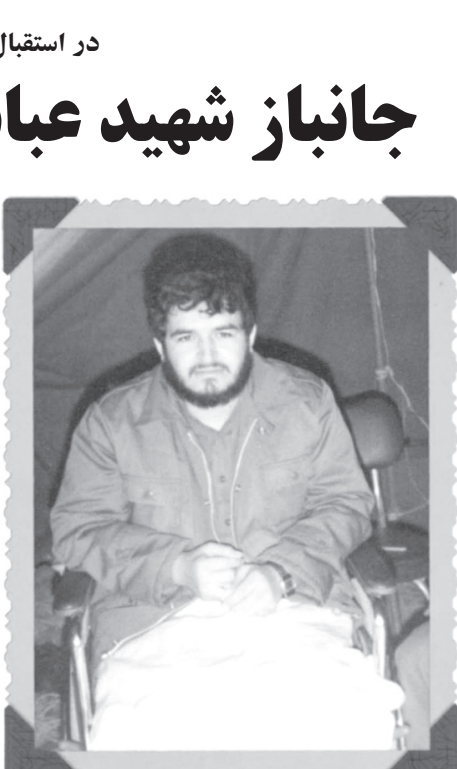
•اولین تظاهرات در انقلاب
هنوز انقلاب اوج نگرفته بود، اوایل راه بودیم، باهم به زیرزمین مسجد جامع رفتیم، ظهرا سخنران حجه الاسلام احمدیان بود، خیلی ازش خوشست می آمد، پیشنهاد دادی بعد از سخنرانی یک تظاهرات راه بیندازیم، بچه‌ها گفتند: هرچی شیخ عباس بگه، توهم گفتی: نه همه با هم میگیرم.

سخنرانی تمام شد، از مسجد زدیم بیرون و شروع کردیم به شعار دادن، ده یازده نفری می شدیم، شعارهای تند می دادیم و از نیروهای ضد شورش غافل بودیم، آنها خودشان را مخفی کرده بودند، ناگهان با باتوم به‌همله کردند، تجربه اولمان بود، فرار کردیم و درحال فرار شعار می دادیم: پشت به دشمن مکن‌ای مجاهد.... فاصله مان از پلیس زیاد شد، از کارخودمان راضی بودیم، گفتیم: خارروشکر زحمات حاج آقا احمدیان توی این چند روز هدرنرفت، اما چه کم بود، ولی خوب بود.

مکشی کردی و گفتی: خوب بود، ولی باید شعاری بدهیم که بتونیم به آن عمل کنیم، نه اینکه فرار کنیم و شعار بدهیم؛ پشت به دشمن مکن‌ای مجاهد!!!

•گرفتن رضایت از مادر

به فرمان امام راماندازی شده بود و اسمش دقتر عمران امام بود، برای عمران و آبادی کردستان ایجاد شده بود، من و تو هم قراربود به آنجا برویم، چه شوروحالی داشت، همه وسایلت حاضر بود، ولی ناراحت به نظر می رسیدی، پرسیدم چیزی شده؟ گفتی: ان شاءالله حل می‌شه. فهمیدم رضایت پدرومادرث را هنوز نگرفته ای، حق من داشته‌ام رضایت ندهند، آخر هنوز سنی ناشدتی، تصمیم گرفتم اگر رضایت ندادند، واسطه بشوم، با حاج کریم صحبت کردی و گفتی: نصفش حل شد. توی دلم شکر کردم، همسفر خوبی برایم می شدی، راضی کردن مادری‌ها یک مقدار سخت تراست، مادرند، چه می‌شود کرد؟ خیلی بااو صحبت کردی ووقتوی رضایتش را گرفتی منی ظنر ازنا پردی، پیشانی مادرت را بوسیدیدی و بلند گفتی: به تو می‌گویم مادر، مادری قهرمانی، درحالی که از خوشحالی



توی پوست نمی‌گنجیدی، گفتی بریم مهندس، اگه مادرم رضایت نمی‌داد، جواب امام را چه جوری می‌دادم؟

•سوادآموزی به مادربزرگ

مشتاقان فراوانی به عشق اجرای فرمان امام دست به کار شده بودند، بی‌سوادهای باحوصله پای درس باسوادهای ننشستند و بی‌حوصله‌ها باپهانه‌های مختلف ازریزگار درمی رفتند. البته سخت هم بود، بعد از شصت یا هفتاد سال، درس خواندن کار مشکلی است، امام دستور نهضت سواد آموزی را صادرفرموده بود، نمی‌توانستی درصف معلم‌ای نهضت جا بگیری، ازطرفی دائم به فکر فرمان امام بودی، شاید خیلی فکر کردی، مادربزرگ را سدازدی و گفتی: بیا مادر، از امروز من معلم و توشاگرد، بیا بهت درس بدم. مادربزرگ گفت: از من گذشته، من دیگه چیزی یاد نمی‌گیرم و حوصله هم ندارم، از آن به بعد هرروز یک ساعت مادربزرگ را مجبور می‌کردی تا درس بخواند و تامدتی بعد او را بسواد کردی.

•نذر روزه

اطلاعات زیادی رسیده بود، همه خبر از تحرکات کومله و دمکرات در منطقه می‌دادند، مخصوصا اطراف دیوان دره، اشکال اصلی در تناقض اطلاعات بود، با فرستادن محلی‌ها هم مشکل حل نشد، باصفر نیکخواه به توافق رسیدیم خودمان به دیوان دره برویم، از شهر خارج شدیم، هنوز چند کیلومتر نرفته به اصفر گفتیم: دور بزن، دور بزن !

–دور دور برای چی؟ ترسیدی؟

–نه بابا، خدا نکته، راهی که میریم معلوم نیست که برگشتی

درکار باشه، برگرد بگم بگیریم.
–برگشتیم، مستحقما به اتفاق آمدیم، درخواست حکم کردیم، گفتی من هم میام، خوشحال شدیم، درحقیقت باتو بودن سعادت

بود، غروب نشده به دیوان دره رسیدیم. چند روزی آنجا ماندیم، اطلاعات و اخبار را با شناسایی خودمان تطبیق دادیم، نتیجه خوبی به دست آمد، به بیجار برگشتیم، دو روز بعد می‌خواستیم به سنندج بروم، پیشنهاد کردم با هم برویم، گفتی: نه، من نیام، روزهام باطل میشه، تعجب کردم آخه ماه رمضان نیود، پرسیدم: برای چی روزه می‌گیری؟ بدهکاری؟ گفتی: پربرور که به منطقه رفتیم، نذر کردم اگه ماموریت ما موفقیت آمیز باشه، سه روز روزه بگیرم، الحمدلله ماموریت خوبی بود، دارم نذرمر رو ادا می‌کنم.

•لباس کردی

بعضی‌ها مثل تو به کردستان رفته بودند، وقتی مرخصی هم می‌آمدند، لباس کردی می‌پوشیدند، گاهی هم بااسلحه کمرب و یا ماشین می‌آمدند، اما تو بآنکه مسئولیت داشتی، خیلی ساده می‌آمدی و می‌رفتی. یک روز که دور هم جمع بودیم بهت گفتم: تو چرا لباس کردی نمی‌پوشی؟ چرا اسلحه برای خودت برنی داری؟ نگاهی به من انداختی و گفتی: دشمن‌ها کم ما رو شناسه و این لباس‌ها رو تن ما ببینه، فکر می‌کنم به علت ترس از اون هالاست که لباسشون رو می‌پوشیم.

•قطع نخاع شدن عباس و رفیق جدید

سرباز پادگان قلعه مرغی بودم، خبر مجروح شدنش را به من دادند، برای عیادت به بیمارستان شهید مصطفی خمینی آمدم، آرام و بی‌حرکت روی تخت دراز کشیده بودی، آنجا بود که فهمیدم قطع نخاع شدی و باید تا آخر عمر روی ویلچر بنشینم، از اتاق بیرون آمدم، توی راهرو کمی گریه کردم و ساده لوحانه با خودم گفتم: عباس شجاع یا به قول خودمون شیخ عباس بالون همه تحرکش چه جوری تا آخر عمر تحمل می‌کنه روی ویلچر بنشینه؟ چند دقیقه‌ای گذشت، به داخل اتاق برگشتم، بیدار شده بودی و لبخند می‌زدی، خوش آمد گفتی، کثارت نشستم، شرم داشتم چیزی بپرسم، خودت شروع کردی و از نحوه مجروح شدنت گفتی، بدش هم گفتی: به رفیق جدید باید بگیرم.

– رفیق جدید؟ رفیق جدید یعنی چی؟

– به رفیقی که شب و روز با هم باشیم، ویلچر!!

– ویلچر سخت نیست؟

– فکر نمی‌کنم اطاعت از خداوند و صدمه دیدن درراه او سخت و ناگوار باشه!!

•پرستار معلم زبان

به آسایشگاه تجریش در فرمانیه منتقل شده بودی، گاهی حالت بد می‌شد، بین مرگ و زندگی روزگار می‌گذrandی، تعدادی کارمند جدید هم گرفته بودند، کارمندان قدیمی هم با عشق و علاقه خاصی کار می‌کردند. بین کارمندان قدیمی خانم مهربانی به نام فاطمه خانم بود. فاطمه خانم خیلی به جانبازان می‌رسید، نمی‌دانستیم که انگلیسی هم بلد است، بهت گفتم میرم بیرون، چیزی نمی‌خواهی؟ گفتی: اگه تونستی به خودکار و به دقتچره دوحط انگلیسی برام بخر. گفتیم: دقتچره انگلیسی برای چی می‌خواهی؟ گفتی: این خانم پرستار انگلیسی بلده، من هم که بیکارم، بگذاز حداقل چند کلمه زبان یاد بگیرم. از بیجار حدود ۳۲۰ کیلومتر راه آمده بودم که فقط تو را ببینم، خیلی دوست داشتم، اصلا از آدمهای پاک و باصفا خوشم می‌آمد،

هنوز هم خوشم می‌آید، فکر می‌کردم بیایم توی اتاقت فقط گریه می‌کنی و از درد می‌نالی، اگر می‌نالیدی هم حق داشتی، تیر بدجوری کمتر تا داغان کرده بود، ولی خوب وقتی وارد شدم تبسم برلبت دیدم، بدش هم گفتی: چرا زحمت کشیدی و این همه راه آمدی؟ درحالی که اشک توی چشمهایم حلقه زده بود، گفتم: آخه تو فرمانده ما بودی، تو هرکسی نیستی، عباس مطیعی هستی. از حال و احوال بچه‌ها پرسیدی، بدش هم گفتی: به بچه‌ها بگین از امام پیروی و وحدت خودشون رو حفظ کنند،



نیست من آلمان نمیرم، چرا اینهمه خرج رو دست دولت بگذارم؟ معاینه پروفیسور تمام شد، وقتی می‌خواست برو، گفت: کاری نداری چون؟ گفتی: پروفیسور، شما با این تخصصتون چرا نمایین ایران؟ گفت: راستش تو آلمان هرروز چندین‌عمل انجام میدم، که برگردم ایران دستم بسته میشه، اونجا هم به ایرانی‌ها خدمت می‌کنم و همین برام شیرینه. گفتی: آقای پروفیسور، شنیدم توی آلمان پیوند اعصاب و نخاع رو درمراجل آزمایشی شروع کردین؟ پروفیسور صمیمی پاسخ داد: بله، خداکنه بتونیم کارهایی رو انجام بدیم. گفتی: بنده حاضرم بدنم رو دراختیار شما بگذارم تا شما آزمایش هاتون رو روی من انجام بدین، از هیچ چیز هم خوفی ندارم. بالین حرف‌ها اشک پروفیسور رو در آوردی.

•برگرفته از کتابچه رسم ایستادگی، برگرفته از کتاب فرهنگ نامه شهدای شهرستان سمنان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین وضعیت ثبتي و اراضي ساختمانهای فاقد سند رسمي

۸۸. آقای فایق یاری فرزند محمد امین به شماره ملی ۳۸۲۰۱۳۶۴۶۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۴۹۰۸ متر مربع پلاک فرعی از ۸۶۵ اصلی ۸۹. آقای فایق یاری فرزند محمد امین به شماره ملی ۳۸۲۰۱۳۶۴۶۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۰۸۳۸/۱۸ متر مربع پلاک فرعی از ۸۶۵ اصلی ۹۰. آقای فایق یاری فرزند محمد امین به شماره ملی ۳۸۲۰۱۳۶۴۶۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۶۶۵/۶۰ متر مربع پلاک فرعی از ۸۶۵ اصلی ۹۱. آقای فایق یاری فرزند محمد امین به شماره ملی ۳۸۲۰۱۳۶۴۶۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۳۰۲۱ متر مربع پلاک فرعی از ۸۶۵ اصلی ۹۲. آقای عبدالله اسلامی فرزند علی به شماره ملی ۳۸۲۰۵۱۱۹۹۷ در شش‌دانگ یک باب خانه و سه دهنه مغازه مساحت ۲۰۳ متر مربع پلاک فرعی از ۱ اصلی ۹۳. آقای صالح دانش فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۲۰۳۹۲۲۶۲ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۴۸۸۸ متر مربع پلاک فرعی از ۸۴۱ اصلی ۹۴. آقای ناصر انغ فرزند مراد به شماره ملی ۶۴۶۸۹۰۶۲۲۹ در شش‌دانگ یک باب خانه مساحت ۹۰/۷۷ متر مربع پلاک فرعی از ۵۲۴ اصلی ۹۵. خانم بیان حسینی کردستانی فرزند یونس به شماره ملی ۳۸۲۰۳۰۹۷۷ در شش‌دانگ یک باب خانه مساحت ۲۲۱/۹۵ متر مربع پلاک فرعی از ۵۴۰ اصلی ۹۶. آقای محمد ربووسه فرزند احمد به شماره ملی ۳۸۲۱۱۴۶۳۳۸ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۵۵۱۲/۴ متر مربع پلاک فرعی از ۸۷۰ اصلی ۹۷. آقای محمد بابا فرزند شریف به شماره ملی ۳۸۲۱۲۴۴۵۰۳ در شش‌دانگ یک باب خانه مساحت ۱۰۲/۸۲ متر مربع پلاک فرعی از ۱ اصلی ۹۸. آقای ناصر صالحی فرزند توفیق به شماره ملی ۳۸۲۰۳۹۲۹۲۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۵۰۰۰ متر مربع پلاک فرعی از ۶۳۹ اصلی ۹۹. خانم آشتی داخن فرزند حسین به شماره ملی ۳۸۲۰۳۷۱۲۶۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۵۲۷۸ متر مربع پلاک فرعی از ۵۷۸ اصلی ۱۰۰. آقای سعید شریفی فرزند رستم به شماره ملی ۳۸۲۰۲۹۴۸۴ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۳۰۹۶/۱۶ متر مربع پلاک فرعی از ۶۳۹ اصلی ۱۰۱. آقای اراس شریفی فرزند سعید به شماره ملی ۳۸۱۰۳۵۰۶۹۹ در شش‌دانگ یک باغ مساحت ۲۶۴۷/۵۵ متر مربع پلاک فرعی از ۶۳۹ اصلی ۱۰۲. آقای حسین تارام فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۱۰۱۴۴۸۴۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۳۰۹۶/۱۶ متر مربع پلاک فرعی از ۵۸۳ اصلی ۱۰۳. آقای نصرالدین فتحي فرزند محمد رشید به شماره ملی ۳۳۳۰۵۰۲۱۶۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۱۲۴/۶۶ متر مربع پلاک فرعی از ۱۱۵۵ اصلی ۱۰۴. آقای کاظم سلیمي فرزند رشید به شماره ملی ۳۶۶۹۱۶۴۸۱ در شش‌دانگ یک باب خانه مساحت ۸۵ متر مربع پلاک فرعی از ۵۲۴ اصلی ۱۰۵. آقای بشیر روین فرزند محمد علی به شماره ملی ۳۸۱۰۳۱۴۸۱۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۷۰۰ متر مربع پلاک فرعی از ۵۷۷ اصلی ۱۰۶. آقای احمد حیدری فرزند صالح به شماره ملی ۳۸۲۰۱۴۴۳۶۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین محصور با بنای احداثی مساحت ۴۴۰۰ متر مربع پلاک فرعی از ۶۶۲ اصلی

۱۰۸. آقای احمد دهقان فرزند صالح به شماره ملی ۳۸۲۰۱۴۴۲۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۶۷۲۳ متر مربع پلاک فرعی از ۶۳۸ اصلی ۱۰۹. آقای محمد دهقان فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۲۰۱۴۴۲۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۱۵۹۳/۵۰ متر مربع پلاک فرعی از ۶۳۸ اصلی ۱۱۰. آقای محمد دهقان فرزند صالح به شماره ملی ۳۸۲۰۱۴۴۲۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۳۷۴۵ متر مربع پلاک فرعی از ۶۳۹ اصلی ۱۱۱. آقای عبدالله شاهسورای فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۲۰۹۷۷۶۰۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۹۱۴۶/۱۳ متر مربع پلاک فرعی از ۸۹۵ اصلی ۱۱۲. آقای عبدالله شاهسورای فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۲۰۹۷۷۶۰۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۵۰۸۴/۵۵ متر مربع پلاک فرعی از ۸۹۵ اصلی ۱۱۳. خانم نهید درخشانی فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۲۱۱۹۹۴۸۲ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۴۹۰۳ متر مربع پلاک فرعی از ۵۸۰ اصلی ۱۱۴. آقای ملیحه هوشمند فرزند رحمن به شماره ملی ۳۸۲۰۲۵۴۷۸۱ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۵۶۵/۱۵ متر مربع پلاک فرعی از ۸۳۴ اصلی ۱۱۵. آقای محمد ربووسه فرزند احمد به شماره ملی ۳۸۲۰۳۹۲۲۶۲ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۵۵۱۲/۴ متر مربع پلاک فرعی از ۸۷۰ اصلی ۱۱۶. آقای عطا خاوی فرزند کریم به شماره ملی ۳۸۱۰۳۳۹۵۶۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۳۶۵۵ متر مربع پلاک فرعی از ۸۳۳ اصلی

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۷/۸

رئیس ثبت مریوان

نگاری

برابر اراء هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضي ساختمانهای فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبت مریوان تصرف مالکانه و بلاعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتي که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

بخش ۱۱ کالاتران

۱. آقای مهدی قادری فرزند احمد به شماره ملی ۳۸۲۱۰۷۸۲۸۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۶۰۲/۸ متر مربع پلاک فرعی از ۲۹ اصلی

بخش ۱۰ اورامان کمره چم شامیان

۲. آقای بویا محمودی فرزند مسعود به شماره ملی ۳۸۲۰۳۹۲۳۸ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۷۳۲/۱۹ متر مربع پلاک فرعی از ۱۷ اصلی ۳. آقای بویا محمودی فرزند مسعود به شماره ملی ۳۸۲۰۱۰۷۳۳۸ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۹۳۲/۱ متر مربع پلاک فرعی از ۱۷ اصلی ۴. آقای محمد طاهر صالحی فرزند فایق به شماره ملی ۳۶۶۹۲۱۱۵۳۴ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۰۵۷۰ متر مربع پلاک فرعی از ۲۱ اصلی ۵. آقای عارف مرادی فرزند عبدالله به شماره ملی ۳۶۶۹۷۸۴۶۶۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۵۹۰۴/۳۶ متر مربع پلاک فرعی از ۲۵ اصلی

بخش ۳۳ اورامان تخت

۶. آقایان بزرزن و انوشیروان بهرامی فرزندان احمد به شماره ملی ۳۶۶۹۰۰۰۸۸۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۶۶۶۹۰۰۰۰۴۷ در مقدار هرکدام به نسبت سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه باغ مساحت ۶۱۶۸/۱۲ متر مربع پلاک فرعی از ۱ اصلی ۷. خانم ها ادبیه و شریفه بهرامی فرزندان احمد به شماره ملی ۳۶۶۹۰۰۰۰۶۱ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۶۶۶۹۰۰۰۰۰۴۷ در مقدار هرکدام به نسبت سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۱۰۲۴۰/۲۲ متر مربع پلاک فرعی از ۱ اصلی ۸. آقایان سیروان و هوشمند بهرامی فرزندان احمد به شماره ملی ۳۶۶۹۰۰۰۷۷۱۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۰۵۷۰ متر مربع پلاک فرعی از ۲۱ اصلی ۹. آقای جمال ایمانی فرزند سهراب به شماره ملی ۳۶۶۹۸۷۶۵۱۰ در شش‌دانگ یک قطعه باغ مساحت ۲۷۸۷/۳۱ متر مربع پلاک فرعی از ۲ اصلی ۱۰. آقای محمد قاضی قادری فرزند رحمن به شماره ملی ۳۶۶۹۱۷۴۷۹۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۵۷/۲ متر مربع پلاک فرعی از ۴ اصلی ۱۱. خانم نهیسه امینی فرزند محمد به شماره ملی ۳۶۶۹۱۵۱۳۶۱ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۳۰۳/۱ متر مربع پلاک فرعی از ۴ اصلی ۱۲. آقای رحیم قادری فرزند مجید به شماره ملی ۳۶۶۹۱۵۹۷۹۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۳۷۳/۳۳ متر مربع پلاک فرعی از ۶ اصلی ۱۳. اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان مریوان به شماره ملی ۳۶۶۹۲۹۳۹۶۴ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۳۹۲۶/۵۲ متر مربع پلاک فرعی از ۱۳ اصلی

بخش ۲۴ مریوان

۱۴. خانم جوان حلیمی فرزند محمد شریف به شماره ملی ۳۲۳۰۶۵۳۴۷ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۲۵۸۷/۴۰ متر مربع پلاک فرعی از ۵۲۴ اصلی ۱۵. آقای رحمان هزیری فرزند کریم به شماره ملی ۳۸۲۰۴۷۳۴۴۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی مساحت ۱۳۴۱۱ متر مربع پلاک فرعی از ۶۳۹ اصلی ۱۶. آقای یاکار احمدی فرزند محمد به شماره ملی ۳۶۶۹۵۸۰۰۲۷ در شش‌دانگ یک قطعه باغ مساحت ۱۲۰۰/۴۳ متر مربع پلاک فرعی از ۵۸۰ اصلی ۱۷. آقای یاکار احمدی فرزند محمد به شماره ملی ۳۶۶۹۵۸۰۰۲۷ در شش‌دانگ یک قطعه باغ مساحت ۲۰۱۸/۱۳ متر مربع پلاک فرعی از ۵۸۰ اصلی ۱۸. آقای عرفان دانش فرزند عثمان به شماره ملی ۳۸۲۰۳۸۶۵۶۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۰۵۵۱/۳۵ متر مربع پلاک فرعی از ۸۵۸ اصلی ۱۹. آقای زانا دانش فرزند عثمان به شماره ملی ۳۸۱۰۰۸۹۵۸۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۰۴۴۱۵ متر مربع پلاک فرعی از ۵۵۸ اصلی ۲۰. آقای سیروان دانش فرزند عثمان به شماره ملی ۳۸۲۱۴۴۴۶۲۱ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۰۴۱۷/۵۲ متر مربع پلاک فرعی از ۸۵۸ اصلی ۲۱. آقایان عرفان و زانا و سیروان و عدنان و محمد شپور همگی دانش فرزندان عثمان به شماره ملی ۳۸۲۰۳۸۶۵۶۹ و ۳۸۱۰۰۸۹۵۸۳ و ۳۸۲۰۳۸۶۵۵۰ و ۳۸۱۰۴۱۲۱۴۷ در مقدار هرکدام به نسبت ۱۹/۳ شعیر مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۰۳۷۱/۵۰ متر مربع پلاک فرعی از ۵۵۹ اصلی ۲۲. آقای نعمت انجیرانی فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۱۰۳۰۱۷۳۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۱۲۲۶/۲۰ متر مربع پلاک فرعی از ۵۸۰ اصلی ۲۳. آقای نعمت انجیرانی فرزند محمد به شماره ملی ۳۸۱۰۲۰۱۷۳۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی مساحت ۳۱۱۷/۲۴ متر مربع پلاک فرعی از ۵۸۰ اصلی ۲۴. آقای محمد اراد مرادی فرزند ابراهیم به شماره ملی ۳۸۱۱۰۷۱۶۲۹ در شش‌دانگ